

مادر موسی، چو موسی را به نیل درکنند، از گشتی رب جلیل

هنگامی که مادر حضرت موسی (ع) به فرمان خداوند بزرگ، فرزندش را به رود نیل انداخت.

خود ز ساحل کرد با حسرت، نگاه گفت: «کای فرزند خرد بی‌گناه

خودش در ساحل ایستاده بود و با افسوس و حسرت نگاه می‌کرد. آن‌گاه گفت: «ای فرزند بی‌گناه کوچک من

گر فراموشت کنده لطف خدای چون رهی، زین گشتی بی‌ناخدای؟»

اگر ناگهان خدا تو را از یاد ببرد و در حق تو مهربانی نکند چگونه از این گهواره که مثل گشتی بی‌ناخداست، نجات خواهی یافت؟»

وحی آمد، «کایس چه فکر باطل است؟ رهرو ما اینک اندر منزل است

پیام آسمانی آمد که این چه فکر بی‌بوده‌ای است که می‌کنی؟! [نگران نباش و این‌طور فکر نکن] بنده‌ی ما، اکنون در خانه‌ی خود است.

ما گرفتیم آنچه را انداختی دست حق را دیدی و نشناختی؟

آنچه را که تو رها کردی، ما در پناه خود گرفتیم. چگونه دست قدرت خدا را دیدی و آن را نشناختی؟

در تو تنها عشق و مهر مادر است شیوه‌ی ما، عدل و بنده‌پروری است

تو مادری، بنابراین در وجودت، تنها عشق و محبت مادرانه قرار دارد؛ ولی روش ما، عدالت و مهربانی با بندگانش است.

سطح آب از گاهوارش خوش‌تر است دایه‌اش سیلاب و موجش مادر است

اکنون، روی آب برای او از گهواره راحت‌تر است؛ سیلاب مانند پرستار و موج به جای مادر است.

رودها از خود نه طغیان می‌کنند آنچه می‌گوییم ما، آن می‌کنند

رودخانه‌ها، خود به خود سیلابی نمی‌شوند؛ بلکه هر چه ما فرمان می‌دهیم، همان را انجام می‌دهند.

ما به دریا حکم طوفان می‌دهیم ما، به سیل و موج، فرمان می‌دهیم

این ما هستیم که به دریا، فرمان طوفانی شدن می‌دهیم، این ما هستیم که به سیل و موج دستور می‌دهیم

به که برگردی، به ما بسپاری اش کسی تو از ما دوست‌تر می‌داری اش؟

بتر آن است که به خانه برگردی و او را به ما بسپاری قطعاً ما او را از تو بیشتر دوستش داریم!

